

دکتر رابرت چیشولم، عاموس: شیر غرش کرده است کیست که نترسد؟ جلسه ۸: عاموس ۹: ۷-۱۰، در غربال تکانده شده، عاموس ۹: ۱۱-۱۵: پایان خوش

این دکتر رابرت چیشولم و آموزه‌های او در مورد کتاب عاموس است. عاموس: شیر غرش کرده است کیست که نترسد؟ این جلسه ۸، عاموس ۹: ۷-۱۰، تکانده شده در غربال است. عاموس ۹: ۱۱-۱۵، پایان خوش - خون و آهن بالا می‌آیند، اسطوخودوس و گل سرخ.

خون و آهن، اسطوخودوس و گل سرخ را به ارمغان می‌آورند. خب، در آخرین سخنرانی‌مان در مورد عاموس «قرار است به فصل ۹، آیه ۷، جایی که تمام کردیم، ادامه دهیم و این بخش را «تکان خوردن در غربال می‌نامم. و بنابراین، با خواندن آن متوجه خواهید شد که چرا این را می‌گویم.

و بنابراین خداوند به بنی اسرائیل می‌گوید، و من فکر می‌کنم اینجا کمی پیش‌زمینه وجود دارد. اسرائیل، آنها قوم عهد خداوند هستند. آنها از مصر رهایی یافتند.

خداوند در سینا به آنها آمد و شریعت و عهد را به آنها داد، و بنابراین آنها از این واقعیت آگاه هستند که قوم خاص خداوند هستند. اما گاهی اوقات این می‌تواند مشکل‌ساز باشد، زیرا شما می‌توانید همه چیز را بدیهی فرض کنید، و آنها علیه خداوند شورش می‌کردند و گناه می‌کردند، و فکر می‌کنم شاید فرض بر این باشد که آنها فقط به این دلیل که قوم خداوند بودند از داوری مصون بودند. ارمیا بعداً در دوران کاری خود با این موضوع روبرو می‌شود.

مردم فقط فکر می‌کردند، خب، خداوند در اورشلیم زندگی می‌کند. او هرگز شهر را نابود نمی‌کند، و ارمیا گفت، بله، او می‌تواند و این کار را خواهد کرد. و من فکر می‌کنم این طرز فکر ممکن است اینجا وجود داشته باشد.

با اینکه آنها بت‌پرست هستند، ممکن است فکر کنند ما خاص هستیم. خب، خداوند اینجا فرش را از زیر پایشان خواهد کشید. آیا شما بنی اسرائیل برای من مانند کوشی‌ها نیستید، خداوند می‌گوید.

کوش در اتیوپی است. گاهی اوقات این‌طور ترجمه می‌شود. بنابراین ما درباره مردمی صحبت می‌کنیم که در آفریقا زندگی می‌کنند.

برای اسرائیل باستان، این در حاشیه‌ی دنیای شناخته‌شده‌شان است. و بنابراین شما برای من همان کوشی‌های دوردستی هستید که متفاوت به نظر می‌رسند. منظورم این است که آنها می‌دانستند که با این مردم ارتباط دارند، خداوند می‌گوید.

آیا من اسرائیل را از مصر بیرون نیاوردم؟ بله. می‌دانید، شما قوم عهد من هستید. من شما را از مصر بیرون آوردم، اما مدت زیادی است که مردم را جابجا می‌کنم.

فلسطینی‌ها از گفتور. از آنجا آمده بودند. و آرامی‌ها از قیر.

پیشگویی آرامی‌ها را به یاد بیاورید، پیشگویی علیه آرامی‌ها در فصل اول. و یکی از احکام این بود که من شما را به قیر برمی گردانم، تا شما را به تبعید به قیر بفرستم. و ما مطمئن نیستیم که قیر کجاست، اما جایی است که آرامی‌ها از آنجا مهاجرت کردند.

و بنابراین خداوند اساساً می‌گوید، من مردم را جابجا می‌کنم. من همه ملت‌ها را کنترل می‌کنم. من یک خدای محلی نیستم.

من بر همه ملت‌ها کنترل دارم، و به طور مشیت الهی یا گاهی اوقات مستقیماً مردم را از مکانی به مکان دیگر منتقل می‌کنم. بنابراین، به یک معنا، شما فقط یکی از ملت‌های زمین هستید که من بر آنها کنترل دارم. شما لزوماً خاص نیستید، به خصوص وقتی که مانند ملت‌های بت‌پرست رفتار می‌کنید و با خواسته‌های پیمان من مطابقت ندارید.

بله، من اسرائیل را از مصر بیرون آوردم. من فلسطینی‌ها را از گفتور بیرون آوردم و به اینجا آوردم. من آرامی‌ها را از قیر بیرون آوردم.

و از بعضی جهات، شما هیچ تفاوتی با کوشی‌ها ندارید. و من بر شما کنترل کامل دارم. و بنابراین با این پایه و اساس گذاشته شده، نمی‌توانید روی این واقعیت حساب کنید که شما قوم پیمان ویژه من هستید و انتظار داشته باشید که وقتی کار اشتباهی انجام می‌دهید، از قضاوت مصون بمانید.

بی‌شک چشمان خداوند متعال بر پادشاهی گناهکار است. من آن را از روی زمین نابود خواهم کرد، اما فرزندان یعقوب را کاملاً نابود نخواهم کرد. پس آن را از روی زمین نابود خواهم کرد.

این خیلی سخنگیرانه به نظر می‌رسد، اما او آن را مشروط می‌کند، اما من آن را کاملاً نابود نخواهم کرد. و در زبان عبری، او از یک ساختار تأکیدی استفاده می‌کند، هاشمید، هاشمید، نابود کردن، من نابود نخواهم کرد. و او آن را نفی می‌کند.

پس قرار نیست، این را با قاطعیت می‌گویم. من قرار نیست آن را کاملاً نابود کنم. نسل یعقوب این را خداوند اعلام می‌کند.

بنابراین آنچه خداوند در اینجا اعلام می‌کند این است که بازماندگانی وجود خواهند داشت. و این یک موضوع مهم در عهد عتیق است. در واقع، سال‌ها پیش محقق به نام گرهارد هاسل کتابی در مورد موضوع بازماندگان در عهد عتیق نوشت.

و بنابراین، بله، خدا همیشه بازماندگانی را حفظ خواهد کرد. و این الگو به زمان طوفان نوح برمی‌گردد، جایی که خداوند گفت که می‌خواهد بیاید و زمین را نابود کند. اما سپس در پیدایش ۶، مردی به نام نوح وجود داشت که از خداوند پیروی می‌کرد.

فقط یک اقلیت باورنکردنی. اما خداوند به نوح توجه می‌کند و جان نوح را نجات می‌دهد. و به نوعی، به شکلی جمعی و جمعی، خانواده نوح نیز به همراه او نجات می‌یابند.

بنابراین همیشه بقایایی از ایمان وجود دارد. خداوند به سادگی افراد خداترس را از بین نمی‌برد. کتاب حبقوق در این مورد است.

حقوق، ما این را در سخنرانی قبلی ذکر کردیم، بنابراین من آن را طولانی نمی‌کنم، اما حقوق در مورد این نوع چیزها است، جایی که داوری فرا می‌رسد، و حقوق بسیار نگران است. اما خداوند به او اطمینان می‌دهد که نه، من همیشه مراقب صالحان هستم و بقایای صالحان را برای پیشبرد اهدافم حفظ خواهم کرد. و بنابراین خداوند، این سخنرانی داوری در اینجا به نوعی به اوج خود می‌رسد.

این یک داوری بسیار سخت است، اما سپس خداوند موضوع باقی‌مانده را مطرح می‌کند، و این قرار است یک پل کوچک زیبا به سوی پایان خوشی که در فصل نهم، آیه ۱۱ می‌آید، بسازد. زیرا من فرمان خواهم داد و قوم اسرائیل را در میان ملت‌ها تکان خواهم داد. بنابراین این یک تبعید خواهد بود.

از آنجایی که غلات در الک تکانده می‌شوند، حتی یک سنگریزه هم به زمین نمی‌رسد. بنابراین ما دقیقاً مطمئن نیستیم که این الک چگونه بوده است. آیا قرار است غلات را جمع کند و کاه را پایین ببرد، یا برعکس؟ اما در هر صورت، از یک الک استفاده خواهد شد و این الک، غلات را از کاه جدا خواهد کرد، هر طور که ما تصور کنیم.

و این درستکاران هستند که نجات خواهند یافت، زیرا در آیه ۱۰ توجه کنید، همه گناهکاران، همه گناهکاران در میان قوم من، با شمشیر خواهند مرد. همه کسانی که می‌گویند، بلا بر ما نازل نخواهد شد یا با ما روبرو نخواهد شد، می‌گویند، و این همان طرز فکری است که باعث شد خداوند در آیه ۷ بگوید، که شما بنی‌اسرائیل برای من مانند کوشی‌ها هستید. من می‌توانم آنها را به هر سو حرکت دهم، می‌توانم آنها را داوری کنم، و همین کار را با شما خواهم کرد.

شما از داوری در امان نخواهید بود. و ببینید، نقل قولی که از سخنان آنها در انتهای آیه ۱۰ آمده است، نشان می‌دهد که آنها اینگونه فکر می‌کردند. بنابراین خداوند قرار است آنها را داوری کند.

جایگاه قوم عهدی آنها، آنها را از این امر مصون نخواهد داشت، اما خداوند قرار است بازماندگانی را حفظ کند. بنابراین اگر قرار باشد همه گناهکاران قوم من بمیرند، این نشان می‌دهد که غیر گناهکاران قوم او نیز حفظ خواهند شد. غربال قرار است بین این دو تمایز قائل شود.

و بنابراین این یک مضمون بسیار مهم در سراسر عهد عتیق و کتاب مقدس است. خداوند بازمانده‌ای را حفظ می‌کند. و شما آن را در ژانرهای مختلف می‌بینید.

در مزمور ۳۷ آمده است که خداوند داوری را بر زمین نازل خواهد کرد و هنگامی که دود فروکش کند و داوری پایان یابد، صالحان در زمین ساکن خواهند شد. بنابراین ما این را اینجا، آنجا و همه جا می‌بینیم. و دانستن این موضوع بسیار دلگرم‌کننده است، زیرا ما در دنیای بسیار نامطمئن زندگی می‌کنیم، دنیایی که باید باور کنم که خدا در حال اجرای داوری است.

ما نمی‌توانیم با اطمینان بدانیم، ما پیامبری نداریم، اما من کاملاً مطمئنم که خدا هنوز در دنیای خود دخالت می‌کند و هنوز هم داوری را به ارمغان می‌آورد. اما لازم نیست از این بترسیم. ما در خداوند عیسی مسیح در امان هستیم.

او ما را محافظت می‌کند، او ما را از رنج‌هایی که ممکن است متحمل شویم محافظت می‌کند. حقوق انتظار رنج کشیدن را داشت، اما در نهایت هیچ چیز نمی‌تواند ما را از عشق خدا در مسیح عیسی جدا کند. بنابراین این یک چرخش مثبت است که در آنجا رخ می‌دهد، و آن دسته از محققانی که می‌خواهند استدلال کنند که آیات ۱۱ تا ۱۵ از عاموس نیامده است، زیرا عاموس نمی‌توانست، نمی‌توانست به داوری و نجات با هم فکر کند. آنها به نوعی آنچه را که در آیات ۹ و ۱۰ اتفاق می‌افتد، از دست می‌دهند.

اینجا یک سیگنال وجود دارد، یک سیگنال مثبت. اما قبل از اینکه به آن پایان خوش بپردازیم، بیایید اصل این بخش، از فصل ۸ آیه ۴ تا فصل ۹ آیه ۱۰ را خلاصه کنیم. چیزی که در اینجا می‌آموزیم، داوری خدا است، به طرز غم‌انگیزی تلخ.

برای بعضی‌ها مثل از دست دادن تک فرزندشان خواهد بود. مناسب، بجا، مجازات متناسب با جرم، اجتناب‌ناپذیر، و تبعیض‌آمیز خواهد بود، و این ویژگی مثبت آن است. تبعیض‌آمیز خواهد بود.

خب، بیایید به بخش آخر کتاب برویم که من آن را «پایان خوش» نامگذاری کرده‌ام، و در واقع یک عنوان فرعی هم دارم، «خون و آهن پدیدار می‌شوند، اسطوخودوس و گل سرخ». «این را از یک محقق مشهور عهد عتیق، جولیوس ولهاوزن، محقق قرن نوزدهم، گرفته‌ام که استدلال می‌کرد پایان عاموس نمی‌تواند از عاموس آمده باشد، زیرا خون و آهن، داوری، خون و آهن، کل کتاب، و حالا اسطوخودوس و گل سرخ، یک پایان خوش. در واقع، رد این حرف بسیار آسان است.

من به شدت با ولهاوزن و دیگران که منکر این هستند که عاموس می‌توانسته این را نوشته باشد، مخالفم، و دلیل مخالفتم با آنها این است که بله، این یک انحراف اساسی از جایی است که ما بوده‌ایم. ما داوری و حالا نجات را داریم، اما من آن را در جای دیگری از انبیا می‌بینم. عاموس از این نظر متفاوت است که تا این لحظه همه چیز داوری است، و سپس پنج آیه در پایان، و شاید اشاره کوچکی در آیات ۹ و ۱۰ به چیزی بهتر که در راه است.

این باعث این حرکت می‌شود، اما پیامبران دیگر این کار را می‌کنند. این ساختارهای قاب‌بندی شده وجود دارد، که من در مورد آنها صحبت کرده‌ام: داوری، نجات. به عنوان مثال، اشعیا، اشعیا ۱ تا ۱۲، بخش اول اشعیا، داوری سنگینی دارد، کمی نجات در فصل ۲، فصل ۴ وجود دارد، اما در پایان آن بخش، همه چیز نجات است.

ما از داوری به نجات می‌رسیم. همین الگو را در فصل‌های ۱۳ تا ۲۷، ۲۸ تا ۳۵ که بخش‌های اصلی هستند می‌بینید و سپس وقتی به فصل‌های ۴۰ تا ۶۶ می‌رسید، بله، او درباره داوری‌ای که رخ داده صحبت می‌کند. او تبعیدیان آینده را مخاطب قرار می‌دهد.

او به نوعی خودش را در زمان جلوتر تصویر می‌کند و با آنها صحبت می‌کند انگار که آنجاست، اما در مورد داوری به عنوان چیزی که اتفاق افتاده صحبت می‌کند، اما این بخش بسیار مثبتی از کتاب است. اهداف نهایی خداوند برای قومش محقق خواهد شد. شما از هوش عبور می‌کنید، این کتاب به عقب و جلو می‌رود، داوری، نجات، داوری، نجات.

میکاه، هر پیامبری را که انتخاب کنی، همین الگو را خواهی دید. باز هم، عاموس منحصر به فرد است زیرا جایی که قضاوت می‌کند به پیچیدگی قبل نیست، مثل یک پاندول نیست که مدام به عقب و جلو نوسان کند، قضاوت، نجات، قضاوت، نجات. فقط همه چیز قضاوت و سپس نجات است، و این بعضی از مردم را آزار می‌دهد.

واقعاً من را آزار نمی‌دهد. اصل دیگری که در پیامبران و کتاب مقدس می‌بینم این است که داوری، از قضا، اغلب راه نجات است. اوضاع باید بدتر شود تا بهتر شود.

داوری خدا یک ویژگی تطهیرکننده دارد، و بنابراین خداوند داوری را به ارمغان می‌آورد تا بتواند یک بازمانده صالح ایجاد کند، و بتواند از آن بازمانده صالح برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند. بنابراین داوری تطهیرکننده است، و بنابراین با نجات همراه است. آنها ایده‌های متضادی نیستند.

آنها با هم پیش می‌روند. داوری به رستگاری کمک می‌کند. منظورم این است که نمونه نهایی، عیسی است.

او باید داوری خدا، مجازات خدا برای گناهان ما را تحمل کند. اما این چه چیزی را به ارمغان می‌آورد؟ از قضا، رستگاری را به ارمغان می‌آورد. و بنابراین مضامین در عهد عتیق مرتبط هستند، و علاوه بر این، عاموس صرفاً بر اساس موسی بنا شده است.

او دارد بر اساس موسی، و در واقع سلیمان در اول پادشاهان ۸، بحث را پیش می‌برد، اما بیایید به تثنیه فصل ۳۰، آیات ۱ تا ۱۰ برویم. من به اندازه او به سراغ سایر متون نرفته‌ام و آنها را نخوانده‌ام، اما می‌خواهم این یکی را بخوانم چون فکر می‌کنم واقعاً مهم است. فراتر از کاری که با عاموس می‌کنیم، درک پیامبران به طور کلی بسیار مهم است.

و وقتی با داوری نجات روبرو می‌شوید، و ممکن است کمی متناقض به نظر برسد، مثل اینکه او مدام به عقب و جلو می‌پرد، همه چیز ریشه در گفته‌های موسی دارد. حال، توجه داشته باشید که بسیاری از منتقدان کتاب مقدس باور ندارند که موسی تثنیه ۳۰ را نوشته باشد. آنها این را بعد از بسیاری از پیامبران قرار می‌دهند، اما همانطور که متن نشان می‌دهد، این همان چیزی است که موسی می‌گوید.

او مردم را به اطاعت از خدا ترغیب کرده است. او در باب ۲۸ به آنها در مورد داوری که در پیش است هشدار داده است، و این چیزی است که موسی می‌گوید. این برای درک عاموس اساسی است.

این برای درک پیامبران اساسی است. وقتی همه این نعمت‌ها و لعنت‌هایی که پیش رویتان گذاشته‌ام بر شما نازل شود، و شما آنها را در هر جایی که خداوند، خدایتان، شما را در میان ملت‌ها پراکنده می‌کند، به خاطر بسپارید، به نظر می‌رسد که موسی، که با این مردم زندگی کرده است، می‌داند که لعنت‌ها بر او نازل خواهد شد. خداوند آنها را برکت خواهد داد، اما آنها در نهایت به جایی می‌رسند که خداوند مجبور می‌شود آنها را به تبعید بفرستد.

وقتی آن روز فرا برسد، و شما در تبعید باشید، و آنچه خداوند گفته است را به دل بگیرید، و وقتی شما و فرزندان شما به سوی خداوند، خدای خود، بازگردید، توجه داشته باشید که توبه اساسی است. شما مالکیت و مسئولیت انسانی را به عهده می‌گیرید. کتاب مقدس حاکمیت الهی و مسئولیت انسانی را در تعادل کامل قرار می‌دهد، و خداوند در اینجا نمی‌گوید، من قلب شما را تغییر می‌دهم.

هنوز نه. آنها به جایی رسیده‌اند که از گناه خود پشیمان شده‌اند و به سوی خداوند، خدای خود، بازگشته‌اند و طبق هر آنچه امروز به شما فرمان می‌دهم، با تمام قلب و جان از او اطاعت می‌کنند. بنابراین یک تحول معنوی در اینجا در حال وقوع است و من معتقدم که این امر نمی‌تواند جدا از کار روح خدا اتفاق بیفتد.

من این را از کتاب مقدس می‌دانم، اما خدا آن را به آنها تحمیل نمی‌کند. روح او در قلب آنها کار می‌کند و آنها به طور مثبت واکنش نشان می‌دهند. بنابراین مسئولیت انسانی در اینجا بسیار قوی و بسیار اساسی است.

آنگاه خداوند، خدایتان، بخت و اقبال شما را بازمی‌گرداند یا شرایط شما را معکوس می‌کند. بخت و اقبال می‌تواند کمی گمراه‌کننده باشد. در مورد چه چیزی صحبت می‌کنی، پول؟ نه، اوست که شرایط شما را

معکوس می‌کند و بر شما رحم می‌کند و شما را از میان تمام ملت‌هایی که شما را در آنها پراکنده کرده است، دوباره جمع می‌کند.

حتی اگر به دورترین سرزمین زیر آسمان تبعید شده باشید، از آنجا خداوند، خدایتان، شما را جمع خواهد کرد و باز خواهد گرداند. او شما را به سرزمینی که متعلق به اجدادتان بود، خواهد آورد و شما آن را تصاحب خواهید کرد. این اشاره‌ای به وعده ابراهیمی است که در اینجا اساسی است.

او شما را از اجدادتان ثروتمندتر و پرجمعیت‌تر خواهد کرد. و اینجاست که خداوند از نظر معنوی کار معجزه‌آسایی انجام می‌دهد، زیرا ما هرگز نمی‌توانیم اطاعت خود را حفظ کنیم. پس توجه کنید که او چه خواهد کرد.

خداوند، خدای شما، دل‌های شما و دل‌های فرزندان‌تان را ختنه خواهد کرد تا او را با تمام قلب و تمام روح خود دوست داشته باشید و زنده بمانید. ارمیا در این مورد صحبت می‌کند و عهد عتیق آن را عهد جدید می‌نامد، جایی که خدا می‌آید و قوم خود را هنگام توبه دگرگون می‌کند. بنابراین، مسئولیت انسانی کاتالیزور این کار خداست و سپس ما حاکمیت الهی را داریم که قوم را می‌آفریند.

و ارمیا می‌گوید که دیگر نیازی نیست که به دنبال نصیحت یکدیگر برای اطاعت از خداوند باشید، زیرا در آن زمان همه از خداوند اطاعت خواهند کرد. خداوند، خدای شما، همه این لعنت‌ها را بر دشمنان شما که از شما متنفرند و شما را آزار می‌دهند، نازل خواهد کرد. شما دوباره از خداوند اطاعت خواهید کرد و از تمام دستورات او که امروز به شما می‌دهم، پیروی خواهید کرد.

آنگاه خداوند، خدایتان، شما را در تمام کارهایتان، در ثمرات رحم، در بچه‌های دام و در محصولات زمین‌تان کامیاب خواهد کرد. تمام آن لعنت‌ها برطرف خواهند شد. خداوند دوباره از شما خشنود خواهد شد و شما را کامیاب خواهد ساخت، همانطور که از اجدادتان خشنود بود، اگر از خداوند، خدایتان اطاعت کنید و فرامین و احکام او را که در این کتاب شریعت نوشته شده است، نگه دارید و با تمام قلب و تمام روح خود به سوی خداوند، خدایتان بازگردید.

تقریباً به جایی ختم می‌شود که او شروع کرد. بنابراین، با این شروع می‌شود که مردم تشخیص می‌دهند که از جانب خدا مجازات شده‌اند. قرار است یک بازمانده‌ی صالح وجود داشته باشد، و من فکر می‌کنم خدا در حال تحریک آنها برای انجام این کار است، اما آنها را مجبور به انجام آن نمی‌کند.

آنها مسئول هستند و به سوی خدا بازمی‌گردند، و خدا از آنجا به آنها رسیدگی می‌کند. او آنها را به سرزمین موعود، سرزمینی که به پدران قوم وعده داده بود، بازمی‌گرداند و آنها را متحول می‌کند. و این دقیقاً همان چیزی است که عاموس در اینجا توصیف می‌کند.

او روزی را به تصویر می‌کشد که وعده موسی قرار است محقق شود. پس بیایید با جزئیات به آن پردازیم. در آن روز، و در این روز، وقتی که من با استفاده از غربال، باقی‌مانده را حفظ کرده‌ام، گناهکاران را نابود کرده‌ام، از طریق داوری خود پاک کرده‌ام، و اکنون غیر گناهکاران، کسانی که از من پیروی می‌کنند، باقی مانده‌اند.

در آن روز، این اتفاق خواهد افتاد. من پناهگاه فروریخته داوود را بازسازی خواهم کرد. دیوارهای شکسته‌اش را تعمیر خواهم کرد و ویرانه‌هایش را دوباره برپا خواهم نمود و آن را مانند گذشته خواهم ساخت.

بعضی‌ها خواهند گفت، ببینید، این نمی‌تواند عاموس باشد. این مربوط به زمانی است که پادشاهی داوود دیگر وجود نداشت. اگر فقط به آن به صورت جداگانه نگاه کنید، می‌تواند باشد، اما لازم نیست اینطور باشد.

تخت سلطنت داوود در دوران سختی سقوط کرده بود. پس از دوران داوود و سلیمان، یهودا هرگز به اندازه گذشته قدرتمند نبود، بنابراین می‌توانست مانند پناهگاهی با دیوارهای شکسته و ویرانه‌ها به نظر برسد، و خداوند اساساً می‌گوید، من امپراتوری داوود را به شکوه سابقش احیا خواهم کرد. لازم نیست چیزی باشد که او پس از پایان پادشاهی داوود بگوید.

او می‌توانست این را بعداً در دوره پیش از تبعید بگوید، تا آنها بتوانند بقایای ادوم و تمام ملت‌هایی را که نام مرا بر خود دارند، تصرف کنند، خداوندی که این کارها را انجام خواهد داد، اعلام می‌کند. بنابراین عهد داوود محقق خواهد شد. خداوند در این راستا به داوود وعده‌هایی داد و آن وعده‌ها محقق خواهند شد، و آیات دیگری نیز وجود دارد که درباره زمانی صحبت می‌کند که اسرائیل در آینده دشمنان خود را شکست خواهد داد.

من خیلی مطمئن نیستم که ما باید آن را بپذیریم. این موضوع برایشان طنین‌انداز می‌شود، زیرا همه این ملت‌های متخاصم در اطرافشان هستند، اما اگر این را با سایر متون کتاب مقدس کنار هم بگذارید، مطمئن نیستم که جنگی رخ دهد. داوود قرار است ادومی‌ها و عمونی‌ها و همه اینها را فتح کند.

من حتی مطمئن نیستم که آن افراد آنجا باشند. بنابراین فکر می‌کنم یک تحقق اساسی برای این [پیام] وجود خواهد داشت، که همان داوود است. اسرائیل تحت رهبری داوود بار دیگر به ملتی قوی و قدرتمند تبدیل خواهد شد، همانطور که خدا در نظر داشت.

از کشورهای اطرافش قدرتمندتر است. اما از تصاویر جنگی استفاده می‌کند. فقط باید صبر کنیم و ببینیم که اوضاع چطور پیش می‌رود.

ممکن است مخالفت‌هایی وجود داشته باشد که باید سرکوب شوند. اشعیا این را نیز در فصل ۱۱ توصیف می‌کند، زیرا امپراتوری داوود قرار است احیا شود. خب، داوود با شکست دادن ملت‌های متخاصم، امپراتوری داوود را تشکیل داد، و بنابراین طبیعتاً، وقتی آنها آینده را به عنوان تحقق وعده خدا به داوود، نوعی تجدید داوود، توصیف می‌کنند، امپراتوری داوود قرار است بازگردد.

آنها قرار است در مورد آن از نظر شکست دادن دشمنان صحبت کنند. ما فقط باید صبر کنیم و ببینیم. و. بله، من معتقدم که داوود جدید، داوود ایده‌آل، از نسل داوود، عیسی، قرار است بر زمین حکومت کند.

و فکر می‌کنم می‌توانم از رومیان ۹ تا ۱۱ از این موضوع دفاع کنم. من هم همین نظر را دارم. می‌دانم که افراد دیگری هم هستند که می‌خواهند بگویند این صحبت‌ها در مورد کلیسا است.

فکر نمی‌کنم اینطور باشد. قرار است پادشاهی‌ای تأسیس شود. اشعیا در فصل ۱۱ در مورد آن صحبت می‌کند.

و داوود، داوود جدیدی است که قرار است بر آن حکومت کند. و اگر در ابتدا مجبور باشد دشمنان را در مقطعی سرکوب کند، باشد. شاید این همان چیزی باشد که در مکاشفه می‌بینیم.

مطمئن نیستم، اما خدا به وعده‌اش به داوود وفادار خواهد ماند. به نظر می‌رسد در اینجا هم همینطور باشد. او قرار است سلسله داوود را احیا کند.

این از طریق عیسی اتفاق خواهد افتاد، و عیسی بر ملت‌ها حکومت خواهد کرد. و به ملت‌هایی که نام مرا بر خود دارند توجه کنید. آیا این جالب نیست؟ وقتی نامی را بر خود دارید، به زبان عبری است؛ یعنی همه ملت‌هایی که نام من بر آنها خوانده می‌شود.

وقتی در عهد عتیق نامی بر چیزی خوانده می‌شود، به این معنی است که شما مالک آن هستید. این اصطلاحی برای مالکیت شماست. و بنابراین خداوند در حال حاضر به همه ملت‌هایی که نام من بر آنها خوانده می‌شود، می‌گوید.

این با آنچه در ابتدای کتاب دیدیم، مطابقت دارد، جایی که خداوند می‌آید و اساساً می‌گوید، این ملت‌ها در قبال من مسئول هستند. من فکر می‌کنم از طریق عهد نوح، آنها در قبال من مسئول هستند. من مالک آنها هستم.

آنها مال من هستند. و من آنها را به خاطر اعمال سرکشانه‌شان، نقض فرمان نوح، که در آن شما به همنوعان خود احترام می‌گذارید زیرا آنها تصویر خدا را دارند، پاسخگو خواهم دانست. و بنابراین این با آنچه کتاب در ابتدا به آن اشاره کرد، مطابقت دارد.

او یک خدای محلی نیست. همه ملت‌ها نام او را بر خود دارند و او روزی از طریق احیای تخت داوود پادشاهی خود را مستقیماً بر همه آنها گسترش خواهد داد. بنابراین، برای کسانی از ما که پیش از هزاره هستیم، این را به عنوان اشاره به پادشاهی عیسی می‌بینیم، جایی که او در آینده بر زمین حکومت می‌کند و آرمان داوود را محقق می‌سازد.

اما سخنان پیامبر به اینجا ختم نمی‌شود. او به نوعی اعلام کرده است که خداوند مداخله خواهد کرد و پادشاهی داوود را احیا خواهد کرد. اکنون او توصیف می‌کند که آن دوره چگونه خواهد بود.

کلاوس وسترمن، که این قالب‌های نبوی را با دقت مطالعه کرده است، این را یک تصویرسازی نجات می‌نامد. این یک اعلام نجات نیست. یک اعلام نجات می‌گوید که خداوند شما را نجات خواهد داد، و او اینگونه این کار را انجام خواهد داد.

این با فرض این است که این اتفاق قبلاً افتاده است و مردم به سرزمین خود بازگشته‌اند و برکاتی را که موسی گفته بود تجربه خواهند کرد، تجربه می‌کنند. و بنابراین، این تصویری از جهان یا اسرائیل در این زمان را به تصویر می‌کشد. پس بیایید آن را بخوانیم.

خداوند می‌گوید، روزهایی فرا می‌رسد که دروگر به شخم‌زن و کاشتگر به انگورکوب خواهد رسید. شراب تازه و این شراب است، شراب تازه، ببخشید که آب انگور نیست، این شراب تازه است، از کوه‌ها خواهد چکید و از تمام تپه‌ها جاری خواهد شد، و من قوم خود اسرائیل را از تبعید باز خواهم گرداند. بنابراین، اینجا به نوعی از نظر زمانی وارونه شده است.

آنها باید قبل از اینکه چنین اتفاقی بیفتد، برگردند، اما همه اینها اتفاق خواهد افتاد زیرا من قوم خود اسرائیل را از تبعید باز خواهم گرداند. آنها شهرهای ویران شده را بازسازی خواهند کرد و در آنها زندگی خواهند کرد. تاکستان‌ها خواهند کاشت و شراب آنها را خواهند نوشید.

آنها باغ‌هایی خواهند ساخت و غذای خود را خواهند خورد. من اسرائیل را در سرزمین خودشان خواهم کاشت، که دیگر هرگز ریشه‌کن نشوند. جایی که ما در مورد کشاورزی و کاشت و برداشت صحبت می‌کنیم، و توجه کنید که خداوند قدمی به عقب برمی‌دارد و می‌گوید، من اسرائیل را خواهم کاشت

، من می‌خواهم خودم کمی بکارم. آنها در حالی که حاصلخیزی و برکتی را که من به آنها می‌دهم تجربه می‌کنند کاشت و برداشت خواهند کرد، اما من آنها را در سرزمین خودشان خواهم کاشت، و دیگر هرگز از سرزمینی که به آنها داده‌ام، کنده نخواهند شد، این گفته‌ی خداوند، خدای شماست. می‌خواهم به درو کردن و همه اینها برگردم.

ما باید چرخه کشاورزی را آنطور که درک می‌کنیم، بررسی کنیم، و من در جای دیگری گفته‌ام که اسرائیل از نعمت‌های خداوند در اینجا بهره‌مند است، و پس از بازگشت و بازسازی شهرهای ویران شده خود، مردم محصولات خود را خواهند کاشت و از برداشت فراوان با اغراق لذت خواهند برد. خوب، باید صبر کنیم و ببینیم، اما به نظر من اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد. با اغراق و اغراق برای تأکید، خداوند زمانی را تصویر کرد که محصولات آنقدر فراوان خواهند بود که دروگرانی که در آوریل و مه کار می‌کنند، درو جو، درو گندم، بله دروگرانی که در آوریل و مه کار می‌کنند، هنوز در حال برداشت هستند، در حالی که شخم‌زن‌هایی که معمولاً در اکتبر-نوامبر کار می‌کنند، طبق تقویم گزر، آماده انجام کار خود می‌شوند و حتی برداشت هم نشده است.

برداشت قبلی هنوز انجام نشده است و برداشت کنندگان نمی‌توانند قبل از شروع دوباره شخم زدن، همه آن را برداشت کنند. این داستان از این قرار است. برداشت انگور که معمولاً در ماه‌های آگوست-سپتامبر اتفاق می‌افتد، با فرا رسیدن فصل کاشت، نوامبر-دسامبر، همچنان در حال انجام خواهد بود.

خب، متوجه شدید؟ چرخه‌ی کشاورزی عادی همین است. کاشت، باران، برداشت، همه چیز به خاطر نعمت‌های الهی به هم می‌ریزد. آنقدر محصول و آنقدر انگور زیاد می‌شود که دیگر نمی‌توانند آن را به کار بیندازند.

این چیزی است که اینجا تصویر شده، و سپس شراب آنقدر فراوان خواهد شد که از خمرها سرریز می‌شود و از دامنه تپه‌ها سرازیر می‌شود. به یاد داشته باشید، آنها انگورها را می‌آورند، و سپس آنها را در خمره قرار می‌دهند، و شروع به کوبیدن آنها یا استفاده از هر روشی می‌کنند، و به محض اینکه پوست انگور شکسته شود، شروع به تخمیر می‌کند، و بنابراین طبیعی است که تخمیر شود. فکر نمی‌کنم از ۱۴٪ الکل تجاوز کند.

این چیزی است که من خواندم، یک پایان‌نامه هاروارد در مورد کشت انگور در اسرائیل باستان. فکر می‌کنم اینها اعدادی بودند که کری والش ارائه داد، اما به هر حال، خمرها آنقدر پر از انگور خواهند شد که انگورها را فشار می‌دهند، طوری که انگار از تپه‌ها سرازیر می‌شوند و خمرها را لبریز می‌کنند. این تصویری است که اینجا ارائه شده است، و تصویری از نعمت فراوان است، و فکر می‌کنم، می‌دانید، می‌توانیم بگوییم خوب، مگر اینکه تغییرات اساسی در نحوه کار کشاورزی ایجاد شود، به نظر می‌رسد که این اغراق برای تأکید است، و کتاب مقدس و پیامبران اغلب از اغراق اغراق‌آمیز استفاده می‌کنند، و این به معنای اشتباه بودن یا چیزی شبیه به آن نیست.

این فقط تأکید می‌کند که برداشت محصول چقدر فراوان خواهد بود، و وقتی او در مورد اینکه من اسرائیل را در سرزمین خودشان خواهم کاشت، صحبت می‌کند، هرگز دوباره از سرزمینی که به آنها داده‌ام ریشه‌کن نخواهند شد، به پیدایش برمی‌گردید، و این فعل، ناتان، به معنای دادن، در زبان عبری، برای زمین استفاده می‌شود، و در وعده ابراهیمی نیز آمده است. بنابراین خداوند به ابراهیم می‌گوید، این سرزمینی است که متعلق به توست، و گویی خدا سند مالکیت زمین را به ابراهیم می‌دهد. او هنوز هم به نوعی سرگردان است و از جایی به جای دیگر زندگی می‌کند.

در واقع، هنوز سرزمین او نیست، اما از نظر قانونی از دیدگاه خداوند، سرزمین اوست، زیرا به یاد داشته باشید، او به ابراهیم می‌گوید، به او می‌گوید که این اتفاق فوراً رخ نخواهد داد، زیرا گناه اموریان هنوز به حد کامل خود نرسیده است، و بنابراین خداوند عادل است. او صبور است. او آماده نیست کاری را که بعداً از طریق یوشع با اموریان خواهد کرد، با آنها انجام دهد.

او به آنها فرصتی خواهد داد، و آنها، البته، شکست می‌خورند، و بنابراین زمان آن فرا می‌رسد که خداوند سرزمین را به قوم خود واگذار کند تا کنعانیان را ریشه کن کنند. در واقع، خداوند در لایان می‌گوید، سرزمین آنها را بیرون خواهد ریخت، و سپس آنچه در ادامه می‌آید فهرستی از گناهان فجیع و شنیع جنسی است که باعث می‌شود خداوند استفراغ کند، و او به اسرائیل هشدار می‌دهد، اگر از آنها پیروی کنید، شما را بیرون خواهد انداخت، بنابراین این سرزمین خداوند است، و خداوند، سرزمین نمی‌تواند آن را تحمل کند. نه سرزمین برای حمایت از چنین افرادی ساخته نشده است، و بنابراین خداوند قصد دارد آن مردم را از بین ببرد.

گویی سرزمین، آنها را قی خواهد کرد، و به این ترتیب فتح، داوری بر کنعانیان گناهکار است، اما همچنین عملی شدن وعده خداوند است. او در این مرحله سرزمین را به اسرائیل می‌دهد. او این وعده را به اسحاق پیدایش ۲۶، و سپس وقتی یعقوب سرانجام تصمیم گرفت وعده را بپذیرد، آن را به یعقوب نیز تکرار کرد.

ما در یک سخنرانی قبلی نیز در مورد آن صحبت کردیم، و بنابراین این سرزمین به سرزمین یعقوب تبدیل شد که اکنون اسرائیل نامیده می‌شود، و متعلق به این قوم است، و بنابراین آنچه در اینجا داریم وعده خداوند برای بازگرداندن قوم خود است، و او این کار را در رابطه با وعده خود به داوود انجام می‌دهد. من به داوود قول دادم که او از این سرزمین حکومت خواهد کرد، و به ابراهیم، اسحاق و یعقوب و فرزندان آنها قول دادم که این سرزمین را اشغال خواهند کرد، و بنابراین خداوند در حال انجام تعهدات غیرقابل فسخ خود است، و در طول مسیر، او همچنین رویای موسی را در مورد چگونگی وقوع همه اینها تحقق می‌بخشد. آنها به تبعید خواهند رفت.

آنها نفرین‌ها را تجربه خواهند کرد، اما خداوند آنها را باز خواهد گرداند، و من تمثیل کردن آن و تبدیل آن به کلیسا یا چیزی شبیه به آن را نوعی روش ضعیف برای دیدن تحقق وعده‌های خداوند می‌دانم، بنابراین من آن را دنبال نمی‌کنم. این یک سخنرانی الهیات نیست. بنابراین ما کتاب را تمام کردیم.

کمی وقت داریم، و فکر می‌کنم وقتی کتابی مثل این را با این همه جزئیات و تکرارهای زیاد در طول مسیر مرور می‌کنیم، این مهم است. منظورم این است که بعضی از دوستان یهودی من، وقتی به پیامبران نگاه می‌کنیم، می‌گویند، انگار او هم همین را می‌گوید. او دائماً خودش را تکرار می‌کند.

من می‌گویم، نه، بیایید یک بار دقیق بخوانیم. با دقت به آن نگاه کنیم. این فقط تکرار مکررات نیست.

نکات ظریف و متنوعی در موضوع وجود دارد، بنابراین فکر می‌کنم خوب است که برگردیم و مرور کنیم، و کاری که می‌خواهم انجام دهم مرور اصولی است که بیان کردیم، زیرا بسیاری از آنها را به شما گفته‌ام بنابراین بیایید به ابتدا برگردیم و دوباره کتاب را مرور کنیم، و به یاد خواهید آورد که در فصل اول و سپس در فصل دوم، خداوند قرار است داوری را بیاورد. او پادشاهی شمالی، اسرائیل را هدف قرار می‌دهد. روز خداوند فرا می‌رسد و قرار است روز داوری باشد، و بنابراین در هفت پیشگویی اول، می‌بینیم که خداوند ملت‌ها را در صورت نقض معیارهای جهانی اخلاق و رفتار او، پاسخگو می‌داند.

کار دیگری که دوست دارم هنگام خلاصه کردن پیام پیامبران انجام دهم، این است که فکر می‌کنم همیشه وقتی بخشی از کتاب مقدس را می‌خوانید، این سوال خوبی است که از خود بپرسید، ما در این کتاب یا این متن درباره خدا چه می‌آموزیم؟ ما درباره خدا چه می‌آموزیم؟ فکر می‌کنم پرداختن به الهیات مهم است. الهیات باید از این [موضوع] نشأت بگیرد. این الهیات کتاب مقدسی است.

مضامین اینجا چیست؟ ما درباره خدا چه می‌آموزیم؟ و همچنین می‌توانیم به جزئیات آن بپردازیم. خدا چگونه با ملت‌ها ارتباط برقرار می‌کند و چگونه با قوم عهد خود، اسرائیل، ارتباط برقرار می‌کند؟ و بنابراین اگر قرار است الهیات عاموس را بررسی کنید، من در واقع الهیات پیامبران کوچک را در کتابی که در سال ۱۹۹۲ بودند که الهیات کتاب مقدسی عهد عتیق و DTS توسط انتشارات مودی منتشر شد، انجام داده‌ام. اساتید الهیات کتاب مقدسی عهد جدید را بررسی کردند و من انبیای کوچک را برای یک کتاب بررسی کردم.

بنابراین من تجربه‌ای در تفکر در الهیات عاموس داشته‌ام، و اینکه خداوند ملت‌ها را در صورت نقض معیارهای جهانی اخلاق و آداب و رسوم او، مسئول می‌داند. نکات زیادی در این مورد وجود دارد. خدا، خدای کل جهان و همه ملت‌ها است.

این می‌توانست در بافت باستانی خاور نزدیک عاموس، نوعی اظهار نظر رادیکال باشد، زیرا هر ملتی خدای حامی خود را دارد. اما نه، خدا همه این ملت‌ها را مسئول می‌داند. ما در این مورد صحبت کردیم، و می‌دانم، که تا حدی حرف‌هایم را تکرار می‌کنم، اما وقتی مرور می‌کنیم، این کاری است که باید انجام دهیم، و تکرار مادر یادگیری است، همانطور که به یاد دارید.

بنابراین خداوند ملت‌ها را پاسخگو می‌داند. او بر همه ملت‌ها حاکم است و عاموس بعداً این موضوع را روشن‌تر خواهد کرد، زیرا او کل جهان را آفریده است. بنابراین حاکمیت خداوند قطعاً موضوع مهمی در اینجا است.

ما یاد می‌گیریم که خدا حاکم مطلق است، خدا عادل است، خدا نیکو است. او یک معیار دارد، و آن معیار را به موسی بیان کرد، من می‌خواهم که به تصویر من در هموعان خود احترام بگذاری، و وقتی این تصویر نقض شود، او مردم را پاسخگو خواهد دانست. بنابراین او حاکم مطلق است، و او یک معیار اخلاقی دارد، که نشان می‌دهد او مقدس و عادل است.

بنابراین ما از همان بخش آغازین، چیزهای زیادی در مورد خدا می‌آموزیم. سپس به بخش پایانی فصل دوم رفتیم، جایی که خداوند بر اسرائیل تمرکز می‌کند و دیدیم که خدا معیار اخلاقی بالاتری را برای قوم خود قرار می‌دهد، قومی که اراده خود را به روشنی به آنها آشکار کرده است. بنابراین خدا بر همه ملت‌ها حاکم است. اما خود را به همه ملت‌ها به یک شکل آشکار نکرده است.

او خود را از طریق طبیعت آشکار کرده است. می‌دانید، مزامیر این را می‌گویند، می‌توانید به آسمان نگاه کنید و می‌دانید که وجود دارد، و پولس این را در رومیان می‌گوید، که هیچ کس بی‌گناه نیست، زیرا خدا قدرت خود را در طبیعت آشکار کرده است، و بنابراین همه ملت‌ها باید چیزی در مورد خدای واحد حقیقی بدانند و فقط با مشاهده زیبایی طبیعت، اکنون تضادی در طبیعت وجود دارد، و این مشکلی است که باید با آن مقابله کنید، اما به گونه‌ای است که آنچه در آنجاست بسیار زیباست، آسمان آبی، چمن سبز، ما آن را بدیهی می‌دانیم.

در آنجا طرحی و زیبایی وجود دارد که چیزی در مورد ماهیت خالق را نشان می‌دهد، کسی که چیزی شبیه به این را برای لذت بردن ما خلق کرده است. اما او معیار اخلاقی بالاتری را برای قوم خود قرار می‌دهد، زیرا ما در الهیات بین وحی عمومی، مثلاً از طریق طبیعت، و وحی خاص که در آن خدا می‌آید و مستقیماً از طریق

پیامبران برگزیده‌اش یا هر چیز دیگری با مردم صحبت می‌کند، تمایز قائل می‌شویم و این کاری است که او برای اسرائیل انجام داد. او خود را به پدران و سپس به موسی آشکار کرد، بنابراین آنها باید بهتر بدانند.

آنها می‌دانند که معیارهای اخلاقی او چیست، معیارهایی که به وضوح در شریعت با جزئیات بیان شده‌اند. و، بنابراین خداوند معیار اخلاقی بالاتری را بر قوم خود که اراده خود را به روشنی برایشان آشکار کرده است قرار می‌دهد و ما در مورد این واقعیت صحبت کردیم که این یک چالش برای ماست. ما نمی‌توانیم فقط انگشت اتهام را به سمت بت‌پرستان وحشتناک و کارهای وحشتناکی که انجام می‌دهند، نشانه بگیریم.

ممکن است آنها به اندازه ما نور نداشته باشند. ممکن است ما کاری را که آنها انجام می‌دهند، انجام ندهیم، اما در نظر خدا، اگر علیه او شورش کنیم، ممکن است از کاری که آنها انجام می‌دهند بدتر باشد. فصل ۳ آیات ۱ و ۲ به این موضوع مربوط است، به کسی که زیاد داده شده، زیاد خواسته شده است.

خداوند از قوم عهد خود انتظار بیشتری دارد، و ما قوم عهد جدید او هستیم. خداوند از ما انتظار بیشتری دارد. همانطور که در فصل ۳ پیش می‌رویم، حتی زمانی که خدا از قوم خود ناراضی است و آماده است تا آنها را تنبیه کند، فرصتی برای توبه ارائه می‌دهد.

به یاد داشته باشید، این مسئله علت و معلول است، و او سعی دارد آنها را متوجه کند که خدا از قبل در میان شما بوده است. شما باید دست‌نوشته روی دیوار را ببینید. خدا به شما فرصتی برای توبه می‌دهد.

او دارد به شما هشدار می‌دهد. او یک پیامبر می‌فرستد. حداقل در مورد اسرائیل اینطور بود.

اگر بخواهیم به نحوی این را در مورد خودمان به کار ببریم، او کلام خود را به ما داده است و وقتی تمام کتاب‌های کتاب مقدس را کنار هم قرار می‌دهیم، می‌توانیم معیارهای او و آنچه را که از ما انتظار دارد، درک کنیم. و سپس، با ادامه فصل ۳ و ورود به فصل ۴، وقتی جامعه عهد خدا از اجرای اصول او کوتاهی می‌کند - در سنت‌های مذهبی خود پی‌خیال می‌شود و با حرص و طمع به دنبال اسباب‌بازی‌های این دنیا می‌رود - گاوهای باشان را به یاد بیاورید که از شوهرانشان می‌خواهند زندگی را برایشان آسان‌تر از آنچه هست کنند - این امر مستلزم تأدیب الهی است. بنابراین، خدا قرار است با قوم عهد خود روبرو شود وقتی که آنها از اجرای اصول او کوتاهی می‌کنند.

این یک رابطه ناکارآمد نخواهد بود. او با مردمش روبرو خواهد شد، و با شما به عنوان یکی از مردمش روبرو خواهد شد. او با کلیسایش روبرو خواهد شد وقتی که آنها خواسته‌ها و اراده او را اجرا نمی‌کنند.

ما این را در مکاشفه، فصل‌های ۲ و ۳ می‌بینیم. او ما را به صورت فردی مورد خطاب قرار خواهد داد. او توجه ما را جلب خواهد کرد وقتی که از راه او پیروی نمی‌کنیم، و می‌توانیم از این بابت سپاسگزار باشیم. این یک تنبیه الهی است.

می‌دونی، هر پدر خوبی بالاخره بچه‌ش رو تنبیه می‌کنه. بنابراین، ما باید پذیرای تنبیه باشیم. بعضی وقت‌ها سخته که بفهمیم این تنبیه از طرف خداست یا چیز دیگه. بله، ما باید از طریق دعا و فقط مشاهده، روی این موضوع کار کنیم.

اما با این وجود، خدا این کار را خواهد کرد - او این رابطه را بسیار جدی می‌گیرد. و سپس، همانطور که در فصل ۴ ادامه می‌دهیم، خدای صبور ما گاهی اوقات از اقدامات شدیدی برای توبه دادن قوم خود استفاده می‌کند. بنابراین، او ممکن است شدت آن را افزایش دهد زیرا سعی می‌کند توجه ما را جلب کند.

او این کار را با اسرائیل انجام داد، و آنها اصلاً توجهی نکردند. و بنابراین، او بالاخره گفت، خب، من واقعاً باید با شما برخورد سخت‌تری داشته باشم. ما به فصل ۵ رفتیم. خدا اولویت بالاتری برای روابط نسبت به آیین‌ها قائل است، و ما در مورد رابطه ما با خدا به صورت عمودی و رابطه ما با دیگران به صورت افقی صحبت می‌کنیم.

او می‌خواهد ما برای این روابط ارزش قائل شویم، و از کسانی که در فعالیت‌های مذهبی شرکت می‌کنند و در عین حال معیارهای اخلاقی او را نقض می‌کنند، راضی نیست. اگر بت پرست باشید، تمام فعالیت‌های مذهبی شما که معطوف به خداست، او را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد یا خشنودش نمی‌کند. و شما می‌گویید، من بت‌ها را نمی‌پرستم.

نه، پولس می‌گوید بت‌ها می‌توانند چیزی شبیه طمع باشند. هر چیزی را که به جای خدا قرار دهید و برایتان از خدا مهم‌تر باشد، چیزی که اشتیاق بیشتری نسبت به خدا به آن دارید، بت است. و اگر خدایان دروغین را نیز پرستش کنید، خداوند نمی‌خواهد پرستش شما را بپذیرد.

این کاری بود که آنها انجام می‌دادند. و اگر از برادران و خواهران خود غافل شوید و دیگران را آنطور که باید دوست نداشته باشید، او مراسم مذهبی شما، فعالیت مذهبی شما را نمی‌خواهد. بنابراین، فصل ۵ در این زمینه واقعاً، واقعاً خوب است، و ما آن را در جاهای دیگر، در اشعیا ۱ و جاهای دیگر در کتب انبیا می‌بینیم.

خب، حالا به مطالبی رسیدیم که امروز، برخلاف فردا، در این مجموعه سخنرانی‌های خاص پوشش دادیم. می‌بینید که من پیراهن متفاوتی پوشیده‌ام. امروز، روز متفاوتی است.

چهارشنبه است. دیروز سه‌شنبه بود. خدا از تکبر متنفر است و به طور فعال با متکبران مخالفت می‌کند.

ما این را در فصل ۶ دیدیم، و این موضوعی است که در تمام کتاب مقدس در جاهای مختلف به آن اشاره شده است. خدا از خودکفایی و غرور متنفر است زیرا آنها فعالیت‌ها و اعمال منفی زیادی را ایجاد می‌کنند. در فصل ۷، برای درک قضاوت به ظاهر سخت خدا، این جایی است که رؤیاها رخ می‌دهند.

ما باید از دیدگاه او به واقعیت نگاه کنیم. ما نمی‌توانیم اینقدر روی عواقب آنچه برای اشیاء داوری اتفاق می‌افتد تمرکز کنیم. ما باید روی این تمرکز کنیم که چرا خدا داوری را انجام می‌دهد.

ما باید از دیدگاه او به قضیه نگاه کنیم. همیشه دو جنبه برای هر چیزی وجود دارد. ما باید روی جنبه‌ی خدا تمرکز کنیم، زیرا اغلب در کتاب مقدس، او به ما می‌گوید که چرا قرار است داوری را به ارمغان بیاورد، و من فکر می‌کنم این مورد در کتاب عاموس نیز صدق می‌کند.

کاملاً واضح است. بنابراین، سعی کنید دیدگاه خدا را از متن هر متن و از کل کتاب مقدس دریافت کنید. آن داوری قرار است فرا برسد، و در بخش بعدی، همانطور که در فصل ۸ و سپس در فصل ۹ ادامه می‌دهیم. به طرق مختلف توصیف می‌شود. داوری خدا به طرز غم‌انگیزی تلخ است، مانند از دست دادن تنها فرزند.

مناسبه. چیزیه که لیاقتشو داری. اجتناب‌ناپذیره.

نمیشه با خدا قایم موشک بازی کرد و برد. هیچ گاوی آزاد نیست. اون بالاخره گیرت میندازه.

او هر جا که بروی تو را پیدا خواهد کرد، اما داوری خدا تبعیض آمیز است و این دلگرم کننده است. همه گناهکاران هستند که مورد داوری قرار خواهند گرفت. گاهی اوقات بیشتر مردم اینگونه اند، اما نوح و حقیق را به یاد داشته باشید.

این تبعیض آمیز است. خدا غریبال خود را دارد و وقتی داوری را بیاورد، گناهکاران را از پرهیزکاران جدا خواهد کرد و از پرهیزکاران برای تحقق اهداف آینده خود استفاده خواهد کرد. و سپس چیزی که چند دقیقه پیش به آن نگاه کردیم، آن بخش پایانی، پایان خوش

وفاداری خدا به وعده هایش و تعهدش به قومش. من در مورد عهد داوود، عهد ابراهیمی صحبت می کنم، که تضمین می کند تاریخ پایان خوشی خواهد داشت و آرمان او برای قومش محقق خواهد شد. و آنچه در آیات پایانی عاموس می بینیم، در مورد آنچه خدا قرار است در آینده برای قومش انجام دهد، همان چیزی است که او از همان ابتدا می خواست.

او می خواست مردم از او اطاعت کنند و نعمت هایش را تجربه کنند. و بعضی ها خواهند گفت، خب، خدا به شدت خودخواه است، عشق و از این جور چیزها می خواهد. نه، او ما را طوری ساخته، ما را طوری آفریده که اگر با او رابطه نداشته باشیم، راضی نخواهیم شد.

و ممکن است بگویید، این نوعی خودخواهی است، می خواهد ما را مانند خودش کند. نه، او خالق است، او همه چیز خوب است. و بنابراین این یک عمل فوق العاده از عشق و لطف اوست که می خواهد ما را به نوع خاصی از انسان تبدیل کند، زیرا وقتی این اتفاق بیفتد، خوشحال ترین خواهیم بود.

من فقط از شنیدن اینکه مردم خدا را به خودخواهی متهم می کنند خسته شده ام. نه، خدا می خواهد این دنیای ایده آل تحقق یابد. و آنچه در فصل های پایانی عاموس می بینیم، در حال تحقق است.

اکنون این [عهد] برای قوم عهد او در حال تحقق است، اما همانطور که در سراسر کتاب مقدس می خوانیم می دانیم که خداوند عهد خود را به غیریهودیان، فراتر از اسرائیل، گسترش داده است. عهد جدید، همانطور که با ورود به عهد جدید متوجه می شویم، فقط برای اسرائیل نیست. فقط برای قوم یهود نیست.

همه ما نیز از آن سود می بریم. و ما شاهد وقوع این اتفاق در عهد جدید، در کتاب اعمال رسولان هستیم، همانطور که انجیل به جهان غیریهودی می رسد و آنها به عنوان پرستندگان به جمع آنها آورده می شوند. و عیسی در حال حاضر در انجیل ها به این موضوع اشاره می کند، بیش از اشاره، وقتی که به غیریهودیان، مانند زن فینیقی سوری، نزدیک می شود و می گوید، من این نوع ایمان را در اسرائیل ندیده ام.

و بنابراین، بله، تصویری که در پایان عاموس می بینیم، آینده ی ماست. ما قرار است در آن نوع پادشاهی و جهانی زندگی کنیم که در آن نعمت های خدا فراوان است و ما از حضور او لذت می بریم و هدف او برای ما محقق می شود، تا بتوانیم برای همیشه در او زندگی کنیم و از او لذت ببریم. بنابراین، یک پایان خوش برای کتاب عاموس.

و اینها درس هایی هستند که امیدوارم از این مطالعه بگیرید. و بنابراین، بیایید با دعا جلسه را به پایان برسانیم. پدر، از کلام تو سپاسگزاریم.

ما از تو به خاطر این پیامبران باستانی که انتخاب کردی و از طریق آنها سخن گفتی، سپاسگزاریم. و از تو به خاطر پیام عاموس سپاسگزاریم. ما در این کتاب چیزهای زیادی در مورد تو می آموزیم، اینکه چگونه بر جهان

حکومت می‌کشی و تو که هستی، خدایی عادل، مقدس، درستکار، اما همچنین خدایی بخشنده، خدایی که مایل است گناهکاران سقوط کرده را نجات دهد.

و ما از شما می‌خواهیم که بیرون برویم و این اصول را به کار گیریم، که از راهی که برای ما تعیین کرده‌ای پیروی کنیم، که برای ما مسیح‌گونه بودن است، و اینکه ما عمل‌کنندگان به کلام باشیم، نه فقط شنوندگان پس، از تو به خاطر آنچه از طریق خداوندان عیسی مسیح برای ما انجام داده‌ای، سپاسگزاریم. به ما کمک کن تا در دنیای بسیار تاریک، چراغ باشیم، مژده و انجیل را به اشتراک بگذاریم، و به مردم نشان دهیم که برای این جهان چه برنامه‌ای داری، و آنها را از طریق عیسی و از طریق توبه و اعتراف به گناهانشان دعوت کنیم. کنیم تا به راه باریکی که به این پادشاهی منتهی می‌شود، وارد شوند. و به نام عیسی است که دعا می‌کنیم آمین.

این دکتر رابرت چیشولم و تعلیم او در مورد کتاب عاموس است. عاموس: شیر غرش کرده است، کیست - که نترسد؟ این جلسه ۸، عاموس ۹: ۷-۱۰، تکانده شده در غربال است. عاموس ۹: ۱۱-۱۵، پایان خوش خون و آهن بالا می‌آیند، اسطوخودوس و گل سرخ.